

بسمه تعالی

## اصلاح تغذیه ایرانیان؛ یکی از الزامات توسعه دریامحور

محمد مونسان

یکی از شاخصه‌های ۲۵ گانه در «توسعه دریامحور»، اصلاح تغذیه ایرانیان است که منجر به کاهش مصرف آب شیرین در تولید مواد غذایی و رو آوردن به مصرف آب دریا در تولید مواد غذایی و پروتئینی می‌باشد. علیرغم اینکه ایران یک کشور دریایی می‌باشد مصرف محصولات شیلاتی در کمترین حد ممکن در دنیا می‌باشد که این رویه با تغییر رویکرد حکمرانی از «بری» به «بحری» باید اصلاح گردد.

### جایگزینی محصولات شیلاتی بجای گوشت قرمز از رویکردهای مهم توسعه دریامحور

در سالهای اخیر معضل خشکسالی و کم آبی بطور پیوسته گریبانگیر ایران بوده است و مکررا تاکید شده است که ریشه خشکسالی صرفا در ساخته شدن یا نشدن فلان سد یا فلان پروژه انتقال آب نیست بلکه عدم اقبال و توجه وزرا و مدیران کشور به «توسعه دریامحور» است. در تفکر مدرن توسعه دریامحور، برای همه ارکان حکمرانی، قابلیت برنامه‌ریزی وجود دارد از جمله اصلاح تغذیه ایرانیان. نوع کشت و کشاورزی در ایران وابسته به نوع تغذیه مردم در مواد گیاهی و همچنین مواد پروتئینی (برای تامین مصارف دامداری‌ها) است. دیدگاه اصلی و اساسی در تعیین نوع تغذیه در توسعه دریامحور، نیازمند حداقل استفاده از آب شیرین و حداکثر استفاده از آب دریا می‌باشد. استفاده از محصولات شیلاتی بجای گوشت قرمز در تامین پروتئین و کشت گیاهان شورزی از جمله این رویکرد می‌باشد که میتواند وابستگی شدید و عجیب ایرانیان به منابع محدود آب شیرین را کاهش دهد.

### میزان صرفه‌جویی در مصرف آب شیرین با رونق مصرف محصولات شیلاتی

سرانه مصرف گوشت قرمز در ایران با توجه به شرایط اقتصادی در سالهای مختلف بین ۸ تا ۱۲ کیلوگرم در سال بوده است که اگر متوسط آن را برابر ۱۰ کیلوگرم در نظر بگیریم، مصرف گوشت قرمز برای جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران در حدود ۸۵۰ هزار تن است که ۱۵۰ هزار تن آن از واردات و ۷۰۰ هزار تن آن از تولید در ایران است. میزان مصرف آب شیرین برای تولید هر کیلوگرم گوشت گوساله برابر ۱۵۴۰۰ لیتر و برای هر کیلو گوشت گوسفند برابر ۸۹۰۰ لیتر است. اگر از ۷۰۰ هزار تن گوشت قرمزی که در ایران تولید می‌شود نیمی را از گوشت گوساله و نیمی را گوشت گوسفند فرض کنیم، این بدین معنی است که سالیانه ۱۰ و نیم میلیون مترمکعب آب شیرین باید صرف تامین گوشت قرمز شود آنهم با این فرض که حدود ۲۰ درصد گوشت قرمز بصورت واردات تامین شود. حال فرض کنید نیمی از مصرف گوشت قرمز ایرانیان به مصرف محصولات شیلاتی منتقل شود سالیانه بیش از ۵ میلیون مترمکعب مصرف آب شیرین کاهش می‌یابد چراکه تولید محصولات شیلاتی عمدتا بوسیله آب دریا تامین می‌شود و نیازی به آب شیرین ندارد.

### سرانه مصرف ماهی و محصولات شیلاتی در کشور

سرانه مصرف روزانه پروتئین در کشور ۳۶ گرم است که ۳۰ گرم آن گوشت قرمز و فقط ۶ گرم آن از محصولات شیلاتی است یعنی مصرف گوشت قرمز ۵ برابر محصولات شیلاتی است و این نوع مصرف برای یک کشور دریایی که اتفاقاً با معضلات حاد کم آبی مواجه است، یک فاجعه است. این میزان مصرف محصولات شیلاتی یعنی سرانه مصرف برابر ۲ کیلوگرم در سال است درحالیکه مطابق گزارش سازمان جهانی غذا و دارو مصرف سرانه ماهی و شیلات در دنیا برابر ۲۰ کیلوگرم است که ۱۰ برابر مصرف ایران است. مصرف شیلات ایران اندکی بیش از مصرف افغانستان و کشورهای محصور در خشکی است. این در حالیست که مصرف شیلات در کشورهای دریایی مانند ژاپن برابر ۷۰ کیلوگرم و در کانادا و سوئیس برابر ۳۵-۳۰ کیلوگرم است. این اعداد و ارقام به روشنی از یک فاجعه غذایی و اشتباهات فاحش در نوع حکمرانی غذایی و مدیریت آب حکایت دارد که در رویکرد توسعه دریامحور باید با تغییر مسیر اساسی و بنیادین مواجه شود.

### **توسعه صنایع شیلات در سواحل با تغییر رویکرد**

مطابق گزارش انجمن شیلات و آبی‌پروری ایران، تامین یا تولید ماهی و سایر محصولات شیلاتی در ایران به حد کافی از طریق صید در دریای آزاد، پرورش ماهی در قفس در دریا و پرورش در استخر تامین می‌گردد ولی قسمت عمده آن بدلیل عدم استقبال مردم ایران، بازاری در ایران ندارد و تولید کنندگان باید به دنبال بازارهای صادراتی باشند. اگر مصرف ایرانیان از گوشت قرمز به شیلات متمایل شود یک بازار تضمین شده داخلی ۸۵ میلیون نفری را در پی دارد که به کمک بازارهای خارجی میتواند تحولات بزرگی در صنایع شیلاتی و صنایع پایین دستی آن و محصولات متنوع غذایی دریایی در پی داشته باشد. ایران با کشورهای متعدد محصور در خشکی مانند افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان مجاور است که با یک برنامه هدفمند میتوان سهمی از بازار شیلات این کشورها داشت. هزینه ماهی و محصولات شیلاتی، با رونق مصرف در کشور قطعاً کاهش خواهد یافت و البته سیاستهای حمایتی و تشویقی دولت نیز در کاهش هزینه‌ها موثر است.

قطعا یکی از پایه‌های مهم ایجاد اشتغال صنعتی در سواحل و سوق دادن جمعیت به سمت سواحل همین صنایع شیلات است که در ابتدا نیازمند فرهنگ‌سازی و تغییر ذائقه غذایی مردم ایران است.

### **صرفه جویی هنگفت در منابع آبی با جایگزینی مصرف نان بجای برنج**

مصرف نان بطور تاریخی مهمترین ماده غذایی ایرانیان بوده است ولی در یک سیاستگذاری کاملاً اشتباه غذایی در کشور، در سه دهه گذشته، برنج به عنوان غذای قالب ایرانیان مطرح شده است که با اقلیم ایران مطلقاً سازگار نبوده و نیست. میزان آب مصرفی برای تولید هر کیلوگرم نان برابر ۱۳۰۰ لیتر است درحالیکه برای هر کیلوگرم برنج برابر ۳۴۰۰ لیتر است یعنی هر کیلوگرم برنج معادل ۲/۶ برابر گندم مصرف آب دارد. آیا این رژیم غذایی در یک کشور خشک و کم آب منطقی و معمولی است؟ چرا در سه دهه گذشته چنین تغییراتی در ذائقه ایرانیان اتفاق افتاده؟ آیا این اتفاقی است یا تعمداً؟ سرانه مصرف برنج در ایران به ۳۶ کیلوگرم در سال رسیده که معادل ۳ میلیون تن در سال می‌شود که ۱ میلیون تن آن از واردات و ۲ میلیون تن آن از تولید در ایران است. این ۲ میلیون تن، باعث مصرف حدود ۷ میلیارد مترمکعب آب می‌شود. هم اکنون کشت برنج در ۱۹ استان کشور انجام می‌شود و حتی در استان خشک و کم آبی مانند استان اصفهان نیز کشت برنج انجام می‌شود که یک فاجعه برنامه‌ریزی محسوب می‌شود.

## جای خالی حکمرانی با رویکرد دریامحور

قسمت عمده‌ای از مشکلات حادی که جامعه امروز ایران با آن مواجه است ناشی از عدم وجود نگاه دریامحور در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای چند دهه گذشته بوده که باید هرچه سریعتر در قالب تغییر نوع نگاه در حکمرانی ایران اصلاح شود. تمام مدیران رده بالا و وزرای کشور باید باور قلبی داشته باشند که تنها راه نجات آینده ایران با وجود کاهش تصاعدی منابع آبی، گرمایش کره زمین و افزایش جمعیت ایران، فقط و فقط «توسعه دریامحور» است. بسی جای تاسف و غم و اندوه است که در برنامه‌های ارائه شده از سوی وزرای دولت در سال جاری در مجلس شورای اسلامی حتی یکبار لفظ «توسعه دریامحور» یا استفاده از ظرفیتهای دریایی ایران شنیده نشد. بدنه کارشناسی جامعه ایران وظیفه خود میداند که هشدارهای لازم را قبل از فرارسیدن «دوران فوق بحرانی» اعلام نماید. امید است که این پیشنهادات و هشدارها شنیده شده و در اسناد بالادستی و قوانین جاری کشور گنجانده شوند.